



گپی دوستانه با نفیسه روشن، بازیگر تئاتر

تئاتر هنری مظلوم است

ما هم مشورت می‌کردیم و به نتیجه مشترک می‌رسیدم. خوشبختانه همکاری با دیگر دوستان بازیگر در این کار هم خیلی مثبت بود و مشکلی از این بابت وجود نداشت.

داستان همان طور که صحبت کردیم، کمی پیچیدگی دارد. این موضوع برای بازیگران چطور است آیا همان پیچیدگی‌هایی که ما هنگام تماشا حس می‌کنیم، شما هم به‌عنوان بازیگر با آن درگیر هستید؟

بله! روزهای نخست این موضوع برای ما هم پیچیدگی‌هایی داشت، اما خوشبختانه کم‌کم مثل این‌که تکه‌های پازل را کنار هم بگذاریم، راحت‌تر شد. در طول تمرینات هم روی صحنه داستان را تحلیل و اجرا کردیم و به جایی رسیدیم که کار برای ما باورپذیرتر شد و همه توانستیم با آن ارتباط بسیار خوبی برقرار کنیم. همین امر هم باعث می‌شود (به نظر من) مخاطب آن را حس کند و احساس خوبی داشته باشد. البته این را باید ذکر کنم که طبیعی است، به‌رحال یک داستان و خطی از کار وجود دارد و وقتی قرار است به صورت قطعاتی کنار هم قرار بگیرد، ممکن است سختی‌هایی به وجود بیاید. اما خوشبختانه با کارهایی که انجام شد و هماهنگی‌های خوبی وجود داشت، به سرانجام خوبی رسید.

طی روزهای اجرا که تا امروز گذرانده‌اید، مخاطبانی همراه شما بوده‌اند. حضور مخاطب و استقبال آن، در تئاتر خیلی مهم است. در تلوویزیون سریال تولید و بعد پخش می‌شود و شاید بازیگر به دلیل گرفتاری‌های شخصی که هنگام پخش سریال خواهد داشت، خیلی درگیر بازتاب آن نشود. اما در تئاتر این طور نیست. با تمام این توضیحات، آیا خودتان از کار و استقبال مخاطب راضی هستید؟

بله، قطعاً ما راضی هستیم، اما این را هم باید عرض کنم که یکی از اجزای ما با شب یلدا تفران پیدا کرد. من خودم اگر جای مخاطب باشم، هیچ‌وقت منزل پدری و فرصت در کنار خانواده بودن و حضور در کنار پدر بزرگ و مادر بزرگ را رها نمی‌کردم. من خودم آن قدر این فیلم برایم تأثیرگذار بود که بیشتر به کار فکر می‌کردم.

برای آن مخاطبانی که می‌گویند نفهمیدیم، چه توضیحی می‌توان داد؟

به نظر من بیانند یک بار دیگر کار را ببینند یا بروند دربارہ این کار تحقیق کنند. مثلاً چه در روشوری در رسانه‌ها نوشته یا خوانند تا متوجه شوند. داستان خیلی پیچیده و سخت نیست که نتوان به آن دست پیدا کرد.

سوالات من تمام شد، اما شاید شما دوست داشته باشید موضوعی را بسا مخاطبان «شهرود» در میان بگذارید.

نه! موضوع خاصی نیست، اما از فرصت استفاده می‌کنم و به‌عنوان یک هنرمند به آنها می‌گویم تئاتر یک هنر مظلوم است، نه بوده‌چیزی دارد و نه از سمت نهادی خاص حمایت می‌شود. دیدن مردم و آمدن مخاطبان برای تماشای یک نمایش، هم به بازیگران و عوامل کار انرژی می‌دهد و هم می‌تواند از این هنر مظلوم حمایت کند. این را هم باید به مخاطبان عرض کنم که تئاتر ما، تئاتری قوی و در مقایسه با بسیاری از کشورهای پیشرو است، حتی در مقایسه با کشورهای اروپایی تئاتر در ایران خیلی پیشرفت کرده و در اصل ما در تئاتر مدعی هستیم و همه ما وقتی می‌بینیم چنین چیزی و با این جایگاه در کشور داریم، باید از آن حمایت کنیم.

احمد عظیمی | آنهایی که اهل تلوویزیون هستند، احتمالاً با نفیسه روشن، آشنایی دارند. بازیگری که در تعداد زیادی از سریال‌های تلوویزیونی حضور داشته است. او در ۲۷ سریال و مجموعه تلوویزیونی، (آن طور که در رزومه‌اش وجود دارد) پنج مجموعه در شبکه خانگی و چهار فیلم سینمایی حاضر بوده است. از این رو در میان مردم و به‌ویژه آنهایی که سریال‌های تلوویزیونی را می‌بینند، چهره‌ای آشنا محسوب می‌شود. او این روزها در تئاتر «تابو تئاتر هنری» حضور دارد. نمایشی به کارگردانی «حسن رونده» که می‌خواهد به موضوعات روزمره زندگی البته بانگه‌وا ساختی متفاوت بپردازد. قالب این کار سورئالیستی است، همان‌که به فراق‌واقع‌گرایی و رویاگونه‌ی شهرت دارد. نفیسه روشن سال ۶۱ در تهران به دنیا آمده و در دانشگاه آزاد اسلامی در مقطع کارشناسی، فقه و حقوق اسلامی خوانده است. با او به بهانه حضورش در تئاتر «تابو تئاتر هنری» گفت‌وگو نشستیم و از حال و هوای تئاتر و کاری که این روزها در آن حاضر است، صحبت کردیم. آنچه در ادامه آمده، محصول پرسش‌های «شهرود» و پاسخ‌های این بازیگر سینما، تئاتر و تلوویزیون است.

در صرف انرژی هم تفاوتی نداشته باشد، اما ممکن است پیچیدگی‌هایی برای بازیگر در حین کار به وجود بیاید که به ورود و خروج بازیگرها، میزانسن یا دیگر موارد، ربط دارد. این موضوع است که هم کار را متفاوت می‌کند و هم ممکن است بازی‌ها در فضای جدید انجام شود. مخاطب هم احتمالاً باید درک کند این طور نیست که یک بازیگر در کاری رتال، وزن ۵۰ کیلوگرم می‌زند و در کار سورئال وزن ۱۰۰ کیلوگی، تفاوت‌ها هم همان‌طور که عرض کردم کمی در پیچیدگی‌های میزانسن است و تفاوت‌هایی در دیالوگ‌ها و حس و حال‌ها.

این موضوعی که در حال حاضر می‌خواهم طرح کنم برای من مخاطب قابل درک نیست. برای همین به‌عنوان سوال مطرح می‌کنم. موضوع این است که من مخاطب آن‌جا روی صندلی نشسته‌ام و شما دارید این‌جا روی صحنه، نمایش را اجرا می‌کنید. فعلاً اشاره به این نمایش نیست، به کلیت نمایش اشاره دارم. مخاطب در گیرودار یک نمایش ممکن است خسته شود، گیج شود، حیران شود و هر احساس دیگری پیدا کند. در تئاتر هم معروف است که می‌گویند نفس مخاطب و بازیگر به هم می‌خورد و فضایی ویژه خود را به وجود می‌آورد. با این توضیح سوالم این است شما به‌عنوان یک بازیگر وقتی احساسات تماشاگر را می‌بینید، چشم‌تان به چشمش گره می‌خورد و مثلاً احساس می‌کنید تماشاگر گیج است یا حیران، یا شاد است و سرخوش، آیا این احساسات بر شما به‌عنوان یک بازیگر تئاتر تأثیر می‌گذارد؟

نه به هیچ عنوان. من مطابق تجربه خودم می‌گویم که مخاطب هر احساسی داشته باشد به بازیگر روی صحنه انرژی می‌دهد و توفیری هم ندارد که این احساس چه باشد. از کار خوشی بیاید یا نه. هر احساسی که به بازیگر دست بدهد، من بازیگر این را می‌فهمم که کار تأثیر داشته، یک تأثیر این است که فرد را مجذوب می‌کند و تأثیر

دوست داشتنی بودند. خوشبختانه قبل از این، چند کار مشترک با بچه‌های این تیم داشتیم و همین عامل سبب شده بود بچه‌ها هماهنگی بسیار خوبی با هم داشته باشند. برخی کارها این طور است که تولیدکنندگان، بازیگران و... کار مشترک با هم انجام ندهاند و خود موضوع ارتباط‌گیری با اعضای تیم یک پروسه را باید بگذارند، اما در این تیم این طور نبود که تازه بخوایم همدیگر را بشناسیم، به همین دلیل کارها خیلی خوب پیش می‌رفت.

این تمرین طولانی خیلی سخت نبود؟

سخت بود، اما چون همه بچه‌ها یکدست بودند باعث می‌شد این ۱۱، ۱۰ ساعت تمرین و سختی‌هایش را حس نکنیم.

اطلاعات کلی درباره بازیگری می‌گوید که بازی و پارتنر بازی ممکن که نه، حتماً روی بازی فرد مقابل تأثیر می‌گذارد. در این نمایش مهران نام نقش مقابل شما را بازی می‌کرد. کار با او راحت بود؟

خوشبختانه من قبلاً با آقای نام در سریال ۱۲۵، سریال آتش‌نشان‌ها هم‌بازی بودیم و همکاری داشتیم. ایشان از دوستان خوب و از همکاران خیلی خوب من هستند، به همین دلیل کار، کار خیلی سختی نبود و خیلی وقت‌ها

درباره کار در حال حاضر در آن حضور دارید. با نام تابو تئاتر هنری، روی صحنه است. موضوعی که در این نمایش به نظر می‌رسد این است که کار به شیوه دیگری ساخته شده است و تماشاگر باید با آن کلنجار برود. به همین دلیل نقش بازیگر در چنین نمایشی، کلیدی خواهد بود آن هم به نسبت کاری که به شیوه رئالیستی ساخته شده است. درباره این کار کمی صحبت می‌کنید، این‌که در تمرینات چطور به این نقش رسیدید و کار پیش رفت؟

راستش خیلی سخت بود. ما که گاه در طول تمرینات، اتودهایی می‌زدیم تا به یک موضوع دست پیدا کنیم. در آغاز هم متنی نبود که مثلاً کارگردان بگوید این را می‌خواهم با تمرین به آن برسیم. بارها شده که در طول تمرینات اتود زدیم و بعد به نتیجه نهایی رسیدیم، ولی این که ببینند مخاطب چه در یافتی از نقش‌ها خواهد داشت، تئاتر هستند، ارتباط خوبی با این نمایش برقرار می‌کنند.

چرا مخاطب عسادی در دریافت از این کار ممکن است مشکل داشته باشد؟

ساخته شدن برخی از کارهای سبک و کارهایی که ما خودمان به آن راحت‌القولیم می‌گویم باعث ترویج نوعی سلیقه خاص در میان مخاطبان شده است که آنها ترجیح می‌دهند با نمایشی روبه‌رو باشند که به اصطلاح «هلو برو تو گلو» باشد و دریافت خیلی راحتی از آن وجود داشته باشد، به عبارتی شیوه این نوع کارها باعث شده است که مخاطب دنبال کارهای راحت باشد. کارهایی که خیلی درگیری و کلنجار ایجاد نمی‌کند و مخاطب برود خیلی راحت بنشیند و بعد از نمایش هم بگوید این نمایش خوب یا بد بود. اما باید توجه داشته باشیم مخاطب تئاتر این طور نیست. دست‌کم این طور نبوده و همیشه درصدی از مخاطبان وجود دارند که می‌خواهند دوست دارند درگیر کارها شوند. این مخاطبان دنبال نمایش‌هایی می‌گردند که حرفی برای گفتن داشته باشند. این موضوع برای کاری که در حال حاضر، روی صحنه است در اصل یک برگ برنده است.

کاری که در حال حاضر دارید انجام می‌دهید، در قالب سورئال است و این احتمالاً ویژگی‌های خاص خود را دارد. مخاطبی که هنوز این کار را ندیده و می‌خواهد وارد سالن تئاتر شود، ممکن است درگیر پیچیدگی‌های موجود در این قالب شود...

بله، این کار کاملاً سورئال است. اصلاً ما باید بدانیم چند درصد از مخاطبان ما می‌دانند تفاوت بین سورئال و رئال چیست. همین که بتوانند تفاوت این دو مقوله را به ریز در بیاورند و نکاتش را پیدا کنند، طی اجرای کار خواهند فهمید این کار در چه قالبی ساخته شده است.

این شیوه کار به‌طور قطع برای خود بازیگر هم ممکن است چالش ایجاد کند. شما به‌عنوان یک بازیگر حتماً می‌دانید و تفاوت بین کار سورئال و رئال را می‌فهمید و تئاتر هم احتمالاً باعث می‌شود انرژی بیشتری از شما گرفته شود. این برداشت که ممکن است نزد مخاطب تئاتر وجود داشته باشد، برداشت درستی است یا خیر؟

واقعیت این است که برای یک بازیگر اهمیت ندارد که کار در چه قالبی، ساخته شده است. این‌که نمایشی در قالب رئالیسم باشد یا نمایش دیگری در قالب سورئالیسم باشد عملاً برای بازیگر تفاوتی ندارد. همین امر باعث می‌شود

دوست داشتنی بودند. خوشبختانه قبل از این، چند کار مشترک با بچه‌های این تیم داشتیم و همین عامل سبب شده بود بچه‌ها هماهنگی بسیار خوبی با هم داشته باشند. برخی کارها این طور است که تولیدکنندگان، بازیگران و... کار مشترک با هم انجام ندهاند و خود موضوع ارتباط‌گیری با اعضای تیم یک پروسه را باید بگذارند، اما در این تیم این طور نبود که تازه بخوایم همدیگر را بشناسیم، به همین دلیل کارها خیلی خوب پیش می‌رفت.

این تمرین طولانی خیلی سخت نبود؟

سخت بود، اما چون همه بچه‌ها یکدست بودند باعث می‌شد این ۱۱، ۱۰ ساعت تمرین و سختی‌هایش را حس نکنیم.

اطلاعات کلی درباره بازیگری می‌گوید که بازی و پارتنر بازی ممکن که نه، حتماً روی بازی فرد مقابل تأثیر می‌گذارد. در این نمایش مهران نام نقش مقابل شما را بازی می‌کرد. کار با او راحت بود؟

خوشبختانه من قبلاً با آقای نام در سریال ۱۲۵، سریال آتش‌نشان‌ها هم‌بازی بودیم و همکاری داشتیم. ایشان از دوستان خوب و از همکاران خیلی خوب من هستند، به همین دلیل کار، کار خیلی سختی نبود و خیلی وقت‌ها

دوست داشتنی بودند. خوشبختانه قبل از این، چند کار مشترک با بچه‌های این تیم داشتیم و همین عامل سبب شده بود بچه‌ها هماهنگی بسیار خوبی با هم داشته باشند. برخی کارها این طور است که تولیدکنندگان، بازیگران و... کار مشترک با هم انجام ندهاند و خود موضوع ارتباط‌گیری با اعضای تیم یک پروسه را باید بگذارند، اما در این تیم این طور نبود که تازه بخوایم همدیگر را بشناسیم، به همین دلیل کارها خیلی خوب پیش می‌رفت.

این تمرین طولانی خیلی سخت نبود؟

سخت بود، اما چون همه بچه‌ها یکدست بودند باعث می‌شد این ۱۱، ۱۰ ساعت تمرین و سختی‌هایش را حس نکنیم.

اطلاعات کلی درباره بازیگری می‌گوید که بازی و پارتنر بازی ممکن که نه، حتماً روی بازی فرد مقابل تأثیر می‌گذارد. در این نمایش مهران نام نقش مقابل شما را بازی می‌کرد. کار با او راحت بود؟

خوشبختانه من قبلاً با آقای نام در سریال ۱۲۵، سریال آتش‌نشان‌ها هم‌بازی بودیم و همکاری داشتیم. ایشان از دوستان خوب و از همکاران خیلی خوب من هستند، به همین دلیل کار، کار خیلی سختی نبود و خیلی وقت‌ها

دوست داشتنی بودند. خوشبختانه قبل از این، چند کار مشترک با بچه‌های این تیم داشتیم و همین عامل سبب شده بود بچه‌ها هماهنگی بسیار خوبی با هم داشته باشند. برخی کارها این طور است که تولیدکنندگان، بازیگران و... کار مشترک با هم انجام ندهاند و خود موضوع ارتباط‌گیری با اعضای تیم یک پروسه را باید بگذارند، اما در این تیم این طور نبود که تازه بخوایم همدیگر را بشناسیم، به همین دلیل کارها خیلی خوب پیش می‌رفت.

این تمرین طولانی خیلی سخت نبود؟

سخت بود، اما چون همه بچه‌ها یکدست بودند باعث می‌شد این ۱۱، ۱۰ ساعت تمرین و سختی‌هایش را حس نکنیم.

اطلاعات کلی درباره بازیگری می‌گوید که بازی و پارتنر بازی ممکن که نه، حتماً روی بازی فرد مقابل تأثیر می‌گذارد. در این نمایش مهران نام نقش مقابل شما را بازی می‌کرد. کار با او راحت بود؟

خوشبختانه من قبلاً با آقای نام در سریال ۱۲۵، سریال آتش‌نشان‌ها هم‌بازی بودیم و همکاری داشتیم. ایشان از دوستان خوب و از همکاران خیلی خوب من هستند، به همین دلیل کار، کار خیلی سختی نبود و خیلی وقت‌ها

دوست داشتنی بودند. خوشبختانه قبل از این، چند کار مشترک با بچه‌های این تیم داشتیم و همین عامل سبب شده بود بچه‌ها هماهنگی بسیار خوبی با هم داشته باشند. برخی کارها این طور است که تولیدکنندگان، بازیگران و... کار مشترک با هم انجام ندهاند و خود موضوع ارتباط‌گیری با اعضای تیم یک پروسه را باید بگذارند، اما در این تیم این طور نبود که تازه بخوایم همدیگر را بشناسیم، به همین دلیل کارها خیلی خوب پیش می‌رفت.

این تمرین طولانی خیلی سخت نبود؟

سخت بود، اما چون همه بچه‌ها یکدست بودند باعث می‌شد این ۱۱، ۱۰ ساعت تمرین و سختی‌هایش را حس نکنیم.

اطلاعات کلی درباره بازیگری می‌گوید که بازی و پارتنر بازی ممکن که نه، حتماً روی بازی فرد مقابل تأثیر می‌گذارد. در این نمایش مهران نام نقش مقابل شما را بازی می‌کرد. کار با او راحت بود؟

خوشبختانه من قبلاً با آقای نام در سریال ۱۲۵، سریال آتش‌نشان‌ها هم‌بازی بودیم و همکاری داشتیم. ایشان از دوستان خوب و از همکاران خیلی خوب من هستند، به همین دلیل کار، کار خیلی سختی نبود و خیلی وقت‌ها

دوست داشتنی بودند. خوشبختانه قبل از این، چند کار مشترک با بچه‌های این تیم داشتیم و همین عامل سبب شده بود بچه‌ها هماهنگی بسیار خوبی با هم داشته باشند. برخی کارها این طور است که تولیدکنندگان، بازیگران و... کار مشترک با هم انجام ندهاند و خود موضوع ارتباط‌گیری با اعضای تیم یک پروسه را باید بگذارند، اما در این تیم این طور نبود که تازه بخوایم همدیگر را بشناسیم، به همین دلیل کارها خیلی خوب پیش می‌رفت.

این تمرین طولانی خیلی سخت نبود؟

سخت بود، اما چون همه بچه‌ها یکدست بودند باعث می‌شد این ۱۱، ۱۰ ساعت تمرین و سختی‌هایش را حس نکنیم.

اطلاعات کلی درباره بازیگری می‌گوید که بازی و پارتنر بازی ممکن که نه، حتماً روی بازی فرد مقابل تأثیر می‌گذارد. در این نمایش مهران نام نقش مقابل شما را بازی می‌کرد. کار با او راحت بود؟

خوشبختانه من قبلاً با آقای نام در سریال ۱۲۵، سریال آتش‌نشان‌ها هم‌بازی بودیم و همکاری داشتیم. ایشان از دوستان خوب و از همکاران خیلی خوب من هستند، به همین دلیل کار، کار خیلی سختی نبود و خیلی وقت‌ها

سورئالیسم و فراق‌واقع‌گرایی این روزها «نفیسه روشن» که در همین مجال با «شهرود» به گفت‌وگو نشسته در نمایشی حضور دارد که در قالب سورئالیسم ساخته شده است (البته اکثر سونیسم) در گفت‌وگویی که با او انجام داده‌ام، چند باری واژه سورئالیسم مطرح می‌شود. برای آن دسته از مخاطبان که احتمالاً خیلی با این مفهوم آشنا نیستند، توضیحی کوتاه درباره سورئالیسم آماده شده است.

مکتب سورئالیسم سال ۱۹۲۴ و پس‌له «اندره برتون» ایجاد شد. او معتقد بود ادبیات نباید به هیچ چیز، به جز ظواهرات و نمادهای اندیشه‌ای که از تمام قیود منطقی و هنری یا اخلاقی رها شده باشد، بپردازد و در اعلامیه‌ای که انتشار داد، نوشت: «سورئالیسم عبارت است از آن فعالیت خودبیه‌خودی روانی که به وسیله آن می‌توان خواه شفاها و خواه کتبا یا به هر صورت و شکل دیگری فعالیت واقعی و حقیقی فکر را بیان و عرضه کرد.» سورئالیسم عبارت است از دیکته کردن فکر بدون و آرسی عقل و خارج از هر گونه تقلید هنری و اخلاقی.

او و دوستش «لویی آراگون» از آن جهت که هر دو پزشک امراض روانی بودند، می‌خواستند نظریه فروید را درباره «ضمیر پنهان» وارد ادبیات کنند. به عقیده این گروه هر چیز که در مغز انسان می‌گذرد (در صورتی که پیش از تفکر یادداشت شود)، مطالب ناگهانه، حرف‌های خودبیه‌خودی (که بدون اختیار از دهان بیرون می‌آید) و همچنین رویا جزء مواد اولیه سورئالیسم به‌شمار می‌رود.

سورئالیست‌ها می‌گویند بسیاری از تصورات، تخیلات و اندیشه‌های آدمی هست که انسان بر اثر مقیدبودن به قید اخلاقی، اجتماعی، سیاسی و رسوم و عادات از بیان آنها خودداری می‌کند و این تصورات را به اعماق ضمیر پنهان خویش می‌راند. این قبیل افکار، اندیشه‌ها و آرزوها غالباً در خواب و رویا و در شوخی‌ها و حرف‌هایی که از زبان انسان می‌پرد، تجلی می‌کند و سورئالیست‌ها طرفدار بیان صادقانه و صریح این قبیل افکار، تصورات، اوام و آرزوهاست. به‌طور خلاصه سورئالیست‌ها فعالیت اصیل انسان را همان فعالیت رویا مانند ندای درونی دنیای ناخودآگاه می‌دانند. از سورئالیست‌های معروف می‌توان به «برتون» و «آراگون» «پل الوار» و «گیوم پولینر» اشاره کرد.



سورئالیسم و فراق‌واقع‌گرایی این روزها «نفیسه روشن» که در همین مجال با «شهرود» به گفت‌وگو نشسته در نمایشی حضور دارد که در قالب سورئالیسم ساخته شده است (البته اکثر سونیسم) در گفت‌وگویی که با او انجام داده‌ام، چند باری واژه سورئالیسم مطرح می‌شود. برای آن دسته از مخاطبان که احتمالاً خیلی با این مفهوم آشنا نیستند، توضیحی کوتاه درباره سورئالیسم آماده شده است.

مکتب سورئالیسم سال ۱۹۲۴ و پس‌له «اندره برتون» ایجاد شد. او معتقد بود ادبیات نباید به هیچ چیز، به جز ظواهرات و نمادهای اندیشه‌ای که از تمام قیود منطقی و هنری یا اخلاقی رها شده باشد، بپردازد و در اعلامیه‌ای که انتشار داد، نوشت: «سورئالیسم عبارت است از آن فعالیت خودبیه‌خودی روانی که به وسیله آن می‌توان خواه شفاها و خواه کتبا یا به هر صورت و شکل دیگری فعالیت واقعی و حقیقی فکر را بیان و عرضه کرد.» سورئالیسم عبارت است از دیکته کردن فکر بدون و آرسی عقل و خارج از هر گونه تقلید هنری و اخلاقی.

او و دوستش «لویی آراگون» از آن جهت که هر دو پزشک امراض روانی بودند، می‌خواستند نظریه فروید را درباره «ضمیر پنهان» وارد ادبیات کنند. به عقیده این گروه هر چیز که در مغز انسان می‌گذرد (در صورتی که پیش از تفکر یادداشت شود)، مطالب ناگهانه، حرف‌های خودبیه‌خودی (که بدون اختیار از دهان بیرون می‌آید) و همچنین رویا جزء مواد اولیه سورئالیسم به‌شمار می‌رود.

سورئالیست‌ها می‌گویند بسیاری از تصورات، تخیلات و اندیشه‌های آدمی هست که انسان بر اثر مقیدبودن به قید اخلاقی، اجتماعی، سیاسی و رسوم و عادات از بیان آنها خودداری می‌کند و این تصورات را به اعماق ضمیر پنهان خویش می‌راند. این قبیل افکار، اندیشه‌ها و آرزوها غالباً در خواب و رویا و در شوخی‌ها و حرف‌هایی که از زبان انسان می‌پرد، تجلی می‌کند و سورئالیست‌ها طرفدار بیان صادقانه و صریح این قبیل افکار، تصورات، اوام و آرزوهاست. به‌طور خلاصه سورئالیست‌ها فعالیت اصیل انسان را همان فعالیت رویا مانند ندای درونی دنیای ناخودآگاه می‌دانند. از سورئالیست‌های معروف می‌توان به «برتون» و «آراگون» «پل الوار» و «گیوم پولینر» اشاره کرد.

سورئالیسم و فراق‌واقع‌گرایی این روزها «نفیسه روشن» که در همین مجال با «شهرود» به گفت‌وگو نشسته در نمایشی حضور دارد که در قالب سورئالیسم ساخته شده است (البته اکثر سونیسم) در گفت‌وگویی که با او انجام داده‌ام، چند باری واژه سورئالیسم مطرح می‌شود. برای آن دسته از مخاطبان که احتمالاً خیلی با این مفهوم آشنا نیستند، توضیحی کوتاه درباره سورئالیسم آماده شده است.

مکتب سورئالیسم سال ۱۹۲۴ و پس‌له «اندره برتون» ایجاد شد. او معتقد بود ادبیات نباید به هیچ چیز، به جز ظواهرات و نمادهای اندیشه‌ای که از تمام قیود منطقی و هنری یا اخلاقی رها شده باشد، بپردازد و در اعلامیه‌ای که انتشار داد، نوشت: «سورئالیسم عبارت است از آن فعالیت خودبیه‌خودی روانی که به وسیله آن می‌توان خواه شفاها و خواه کتبا یا به هر صورت و شکل دیگری فعالیت واقعی و حقیقی فکر را بیان و عرضه کرد.» سورئالیسم عبارت است از دیکته کردن فکر بدون و آرسی عقل و خارج از هر گونه تقلید هنری و اخلاقی.

او و دوستش «لویی آراگون» از آن جهت که هر دو پزشک امراض روانی بودند، می‌خواستند نظریه فروید را درباره «ضمیر پنهان» وارد ادبیات کنند. به عقیده این گروه هر چیز که در مغز انسان می‌گذرد (در صورتی که پیش از تفکر یادداشت شود)، مطالب ناگهانه، حرف‌های خودبیه‌خودی (که بدون اختیار از دهان بیرون می‌آید) و همچنین رویا جزء مواد اولیه سورئالیسم به‌شمار می‌رود.

سورئالیست‌ها می‌گویند بسیاری از تصورات، تخیلات و اندیشه‌های آدمی هست که انسان بر اثر مقیدبودن به قید اخلاقی، اجتماعی، سیاسی و رسوم و عادات از بیان آنها خودداری می‌کند و این تصورات را به اعماق ضمیر پنهان خویش می‌راند. این قبیل افکار، اندیشه‌ها و آرزوها غالباً در خواب و رویا و در شوخی‌ها و حرف‌هایی که از زبان انسان می‌پرد، تجلی می‌کند و سورئالیست‌ها طرفدار بیان صادقانه و صریح این قبیل افکار، تصورات، اوام و آرزوهاست. به‌طور خلاصه سورئالیست‌ها فعالیت اصیل انسان را همان فعالیت رویا مانند ندای درونی دنیای ناخودآگاه می‌دانند. از سورئالیست‌های معروف می‌توان به «برتون» و «آراگون» «پل الوار» و «گیوم پولینر» اشاره کرد.